

## مسائل سالمندان در ایران ( مطالعه‌ای در جمعیت‌شناسی سالمندان ایران )

✽ عزت‌الله سنام آرام

پیری یا سالمندی به عنوان آخرین دوره زندگی انسان همواره مورد توجه متفکران علوم انسانی و زیست‌شناسی قرار داشته است.

این دوره از زندگی که معمولاً با بالا رفتن سن برای افراد مطرح می‌شود، در بسیاری موارد مسائلی چون ضعف قوای جسمانی، تنهایی، از کار افتادگی، معلولیت، بیماری و احتمالاً بی‌سرپرستی و فقر و تنگدستی را همراه خود دارد.

بروز این‌گونه مسائل برای سالمندان بسته به اینکه فرد کهنسال در چه جامعه‌ای و با چه فرهنگی زندگی می‌کند، از نظر کیفی و کمی با تفاوت‌های بسیاری همراه است و همچنین چگونگی جوابگویی به این مسائل و نوع راه‌حلهای ارائه شده نیز به امکانات موجود در جامعه بستگی پیدا می‌کند، به طوری که در کشورهای صنعتی غرب، معمولاً سالخوردگان را در سراهای سالمندان و جدای از خانواده مشاهده می‌کنیم و در شرق و بخصوص در مناطق روستایی جامعه ما سالمندان را اکثراً همراه با اعضای خانواده و آمیخته با آنها تا

---

✽ عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

لحظات آخر زندگی می‌توان مشاهده کرد.

بدیهیست با تغییرات حاصل از تحوّل اجتماعی و تغییر نهادهای اجتماعی مثل نهاد خانواده، از شکل سنتی به جدید که بسیاری از کارکردهای سنتی خود را از دست داده است، در جوامعی مثل کشور ما هم باید انتظار داشت که در آینده شاهد مشکلات خاص این‌گونه تحولات از جمله مشکلات مربوط به سالمندان باشیم. به همین دلیل ضرورت دارد که متفکران علوم انسانی و اجتماعی و دست اندرکاران رفاه اجتماعی، بخشی از مطالعات خود را به زمینه مشکل سالمندان اختصاص بدهند.

مقاله حاضر مطالعات نگارنده در زمینه مسائل سالمندان ایران با تأکید بر ابعاد جمعیت - شناسی آنست که امید است مورد استفاده دست اندرکاران مسائل سالمندان در کشور قرارگیرد.

#### سالمندان در جهان :

سازمان ملل متحد در اجلاس جهانی تابستان ۱۹۸۲ اتریش که اختصاص به مسائل سالمندان داشت حقایقی را در مورد افزایش سریع تعداد و نسبت سالمندان در جمعیت جهانی مطرح کرد.

در ارائه دلیل برگزاری این اجلاس چنین آمده است: « چند دهه آینده، جهان با افزایش سریعی در تعداد و نسبت در جمعیت سالمندان روبه رو خواهد شد. درحالیکه در سال ۱۹۷۵ جمعیت جهان دارای ۳۵۰ میلیون سالمند بالای ۶۰ سال بوده است، در سال ۲۰۲۵ تعداد سالمندان به رقمی معادل یک میلیارد و یکصد و بیست و یک میلیون نفر خواهد رسید که حدود ۱۳/۷ درصد جمعیت جهان را در آن زمان تشکیل خواهد داد.»

دلایل این رشد را می‌توان، از طرفی نتیجه کاهش نرخ مرگ و میر دانست که موجب ادامه زندگی افراد بیشتری می‌گردد و از طرف دیگر افزایش نسبت سالمندان در کل جمعیت جهانی را نیز باید به حساب کاهش نسبت زاد و ولد گذاشت. (۲)

این تغییرات که هم در تعداد و هم در نسبت سالمندان موجب رشد مثبت شده است در برخی از جوامع که دارای ساخت جمعیتی سالخورده می باشند مسائل و مشکلات اجتماعی خاصی را ایجاد کرده است، در حالیکه در جوامع دارای ساخت جمعیتی جوان هنوز مسأله پیران، مشکل اجتماعی حادی نشده است.

( مقصود از کشورهای دارای ساخت جمعیتی جوان یا سالخورده مربوط به تقسیم بندی سازمان ملل متحد است که کشورها را به سه نوع دارای ساخت جمعیتی جوان، بزرگسال و سالخورده تقسیم کرده است که مشخصه آنها میزان نسبت جمعیت سالخورده ۶۵ ساله و بالاتر در آن کشورهاست به این صورت که کشورهای دارای جمعیت جوان کشورهایی هستند که نسبت سالخوردگان آن زیر ۴ درصد باشند، کشورهای دارای جمعیت بزرگسال کشورهایی هستند که نسبت سالخوردگان آن بین ۴ تا ۶ درصد باشد و کشورهای دارای جمعیت سالخورده کشورهایی هستند که نسبت جمعیت سالمند آن ۷ درصد یا بیشتر باشد که در این رابطه در سال ۱۹۸۰ تعداد ۸۹ کشور دارای جمعیت جوان، ده کشور دارای جمعیت بزرگسال و ۲۷ کشور دارای جمعیت سالخورده بوده اند) (۳)

در کشورما، نسبت سالخوردگان ۶۵ ساله و بالاتر معمولاً از ۴ درصد بیشتر نبوده است. ( در سرشماری سال ۱۳۵۵ نسبت سالخوردگان ۶۵ ساله و بالاتر در ایران برابر ۳/۵ درصد و در سرشماری سال ۱۳۶۵ این نسبت برابر ۳ درصد کل جمعیت بوده است.) (۴) و (۹)

برای بررسی چگونگی وضعیت جمعیت شناختی سالمندان کشور، ابتدا با استفاده از آمار سرشماریهای انجام شده، به مطالعه ساخت جمعیتی سالمندان از نظر ترکیب سنی و جنسی، چگونگی وضع تأهل و سواد آنها می پردازیم. سپس چند مورد از شاخصهای جمعیتی مثل نسبت کهنسالی و نسبت وابستگی سنی کهنسالی را نیز مورد مطالعه قرار می دهیم و در خاتمه نگاهی می کنیم بر وضع سالمندان در شهر تهران.

بررسی ساخت جمعیتی سالمندان در کل کشور:

در جدول زیر تعداد و نسبت جمعیت سالمندان ۶۰ ساله و بیشتر را با استفاده از آمار سرشماریهای سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ مطالعه می‌کنیم و برای دقت بیشتر در بررسی تعداد و نسبت سالمندان کشور، علاوه بر آمار سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر، آمار سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر را هم در همان جدول مطرح می‌کنیم.

جدول تعداد و نسبت سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر سرشماریهای ۱۳۳۵-۱۳۴۵ -  
۱۳۵۵-۱۳۶۵

سال سرشماری	تعداد کل سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر	درصد سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر در جمعیت کل کشور	تعداد کل سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر	درصد سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر در جمعیت کل کشور
سرشماری سال ۱۳۳۵	۱/۱۸۴۰۰۰	۶/۳٪	۷۵۲/۰۰۰	۴٪
سرشماری سال ۱۳۴۵	۱/۶۸۴۰۰۰	۶/۵٪	۹۹۳/۰۰۰	۳/۸٪
سرشماری سال ۱۳۵۵	۱/۷۷۰۰۰۰	۵/۲٪	۱/۱۸۶۰۰۰	۳/۵٪
سرشماری سال ۱۳۶۵	۲/۶۹۴۳۷۶	۵/۴٪	۱/۵۰۲۴۳۶	۳٪

ملاحظه می‌شود که سالیانه حدود پنجاه هزار تا یکصد هزار نفر به تعداد سالمندان بالای ۶۰ ساله کل کشور اضافه می‌شود ولی نسبت آن در کل جمعیت کشور تقریباً در حد همان حدود سالهای قبل باقی مانده است و حتی در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ که افزایش تعداد سالمندان بیشترین حد خود را داشته است ولی به علت رشد موالیید و کاهش مرگ و میر نوزادان، این نسبت از ۳/۵٪ در سال ۱۳۵۵ به ۳٪ در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته است.



مطلب دیگری که در بررسی ساخت جمعیتی جامعه سالمندان کشور می تواند مورد مطالعه قرار گیرد، بررسی نسبت زن و مرد، میزان سواد، وضعیت زناشویی (تاهل) و محل سکونت سالمندان کشور است که به شرح زیر است: (۶)

الف - توزیع سالمندان کل کشور بر حسب جنس:

طبق آمار سرشماری سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ از کل سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر ایران ۵۲٪ مرد و ۴۸٪ زن هستند، این نسبت در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ برابر ۵۲/۵٪ مرد و ۴۷/۵٪ زن بوده است که جدول توزیع آن به شرح زیر است:

سال سرشماری	تعداد کل سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر	تعداد مردان سالمند	درصد مردان سالمند در کل سالمندان	تعداد زنان سالمند	درصد زنان سالمند در کل سالمندان
۱۳۳۵	۱۳۶۹۰۵۰	۷۱۹۳۰۱	۵۲/۵٪	۶۴۹۷۴۹	۴۷/۵٪
۱۳۴۵	۱۶۸۳۷۸۳	۸۸۵۲۵۵	۵۲/۵٪	۷۹۸۵۱۸	۴۷/۵٪
۱۳۵۵	۱۷۷۰۶۱۴	۹۲۵۷۸۹	۵۲٪	۸۴۴۸۲۵	۴۶٪
۱۳۶۵	۲۶۹۴۳۷۶	۱۴۰۹۳۴۱	۵۲٪	۱۲۸۵۰۳۵	۴۸٪

ب - توزیع سالمندان کل کشور بر حسب میزان سواد:

طبق سرشماری سال ۱۳۵۵ در کل سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر کشور، ۸۹٪ بیسواد بوده اند که توزیع فراوانی آن به شرح جدول زیر است. این نسبت (بیسوادی) در بین زنان سالمند برابر ۹۵٪ و در بین مردان سالمند برابر ۸۰٪ است. در سال ۱۳۶۵ نسبت بیسوادی سالمندان به ۸۳/۵٪ رسیده و از نظر تفکیک جنسی

زنان سالمند ۹۲٪ بیسواد هستند ولی مردان سالمند ۵/۷۵٪ بیسواد دارند.

سال سرشماری	تعداد کل سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر	بیسواد (می تواند بخواند و بنویسد)		بیسواد (نمی تواند بخواند و بنویسد)*	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۵۵	۱۷۷۰۶۱۴	۱۹۵۱۸۳	۱۱٪	۱۵۷۵۳۸۱	۸۹٪
۱۳۶۵	۲۶۹۴۳۷۶	۴۴۱۸۳۳	۱۶/۵٪	۲۲۵۲۵۴۳	۸۳/۵٪

\* کسانی که فقط می توانند بخوانند حدود ۲٪ بوده که جزو بی سوادان محسوب شده است.

### ج - توزیع سالمندان کل کشور بر حسب وضع زناشویی:

طبق برآورد جمعیت در سال ۱۳۶۶ از کل سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر کشور حدود ۷۰٪ دارای همسر، ۲۷٪ بدون همسر در اثر فوت همسر، ۱٪ بدون همسر در اثر طلاق و ۲٪ هنوز ازدواج نکرده اند که توزیع آن به شرح جدول زیر است: (۱۰)

تعداد کل سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر در سال ۱۳۶۶	دارای همسر		بی همسر در اثر فوت همسر		بی همسر در اثر ازدواج نکرده
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۲۷۱۹۰۰۰	۱۹۱۱۰۰۰	۷۰٪	۷۲۸۰۰۰	۲۷٪	۲۸۰۰۰

نسبت سالمندان بدون همسر در اثر فوت همسر که در کل کشور حدود ۲۷ درصد سالمندان هستند در بین زنان و مردان سالمند وضعیت متفاوتی دارد به طوری که در بین مردان سالمند حدود ۷/۵٪ بدون همسر در اثر فوت همسر هستند ولی در بین زنان سالمند،

این نسبت به حدود ۵۰٪ می‌رسد. (۱۰)

توزیع فراوانی آن به شرح جدولی زیر است:

جنس	جمع سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر برحسب جنس	دارای همسر		بی همسر در اثر فوت همسر		بی همسر در اثر طلاق و هنوز ازدواج نکرده
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مرد	۱۴۹۰۰۰۰	۱۳۴۱۰۰۰	۹۰٪	۱۱۳۰۰۰	۷/۵٪	۳۶۰۰۰
زن	۱۲۲۹۰۰۰	۵۷۰۰۰۰	۴۶٪	۶۱۵۰۰۰	۵۰٪	۴۴۰۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که نسبت زنان سالمندی که شوهرشان فوت شده و هنوز بی همسر هستند تقریباً ۷ برابر مردان سالمند همسر فوت شده‌ای است که هنوز بی همسرند. یکی از علل این تفاوت فاحش را می‌توان بالا بودن نسبی سن مردان خانواده نسبت به سن همسرانشان در جامعه مادانست که در چارچوب خانواده، مرگ برای شوهر زودتر از زن فرا می‌رسد.

دوم اینکه در جامعه ما شانس ازدواج مجدد برای مردانی که همسرشان فوت شده بیشتر است تا برای زنان همسر فوت شده. این کیفیت در مناطق شهری و روستایی جامعه ما نیز به همین صورت توزیع شده است.

د - توزیع سالمندان جامعه بر حسب محل زندگی در شهر یا روستا:  
طبق سرشماری سال ۱۳۶۵ در حالیکه جمعیت روستایی کشور ۴۵/۵٪ کل جمعیت کشور بوده است ولی نسبت سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر ساکن در روستاها ۴۷/۵٪ سالمندان کل کشور بوده است. از سوی دیگر، سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر ساکن روستاها

۵/۵ درصد جمعیت روستایی کشور را تشکیل می دهند در حالیکه سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر ساکن شهرها ۰.۵٪ جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده اند. گرچه تفاوت‌های موجود در نسبت‌های فوق چندان « معنی دار » نیست ولی می توان چنین نتیجه گرفت که در مجموع مهاجرت جوانان و بزرگسالان از روستا به شهر بیشتر از مهاجرت سالخوردهگان روستایی به شهرها بوده است.

جدول توزیع سالمندان کشور بر حسب محل سکونت آنها در شهر یا روستا: (۹)

مناطق	جمعیت ساکن شهر* و روستا در سال ۱۳۶۵	سالمندان ۶۰ ساله و در سال ۱۳۶۵	درصد سالمندان	درصد سالمندان**
روستایی	۲۲۶۱۱۲۴۱	۱۲۳۸۳۷۲	۰.۵/۵	۰.۲/۸
شهری	۲۶۹۹۱۵۴۳	۱۳۶۷۲۷۵	۰.۵	۰.۲/۹

\* ( جمعیت غیر ساکن در این جدول محاسبه نشده است. )

\*\* ( برای مقایسه، سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر نیز محاسبه شده اند که دلیل کاهش نسبت روستانشین آنها را در رابطه با سالمندان شهرنشین، می توان دلیل امید زندگی بیشتر در مناطق شهری در اثر بهداشت و درمان بیشتر در شهرها نسبت به روستاها دانست. )

مطالعه شاخصهای جمعیتی سالمندان:

برای بررسی شاخصهای جمعیت سالمندان از سه شاخص: نسبت وابستگی سنی سالمندی، نسبت سالمندان به نسبت کمسالان و نسبت وابستگی کل در جمعیت شناسی



استفاده می‌کنیم.

باتوجه به اینکه در محاسبه این شاخصها، سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر را مورد بررسی قرار می‌دهند لذا در این بخش سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر را با استفاده از آمار سرشماریهای سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و نتایج سرشماری سال ۱۳۶۵ مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

الف - شاخص نسبت وابستگی سنی سالمندی:

برای محاسبه شاخص نسبت وابستگی سنی سالمندی یا (نسبت جمعیت پیران به جمعیت در سن فعالیت) از فرمول:

$$\left( \frac{P_{65+}}{P_{(15-64)}} \times 100 \right) \text{ یعنی } \left( \frac{\text{جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر}}{\text{جمعیت ۱۵-۶۴ ساله}} \times 100 \right)$$

استفاده می‌کنیم.

محاسبه آن در سال ۱۳۶۵ برابر است با:

$$\frac{1502436}{25653186} \times 100 = 5/9$$

البته این بدان معناست که به ازای هر یکصد نفر افراد در سن فعالیت (۶۴ - ۱۵ ساله)، تعداد ۵/۹ نفر پیر (۶۵ ساله و بالاتر) وجود دارد.

این نسبت در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ به ترتیب ۷/۴، ۷/۷ و ۶/۸ بوده است. (روند کاهش این نسبت به دلیل افزایش مرالید و کاهش مرگ و میر کودکان، بخصوص در دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ بوده است.)

این شاخص در سال ۱۹۸۰ به طور متوسط در جهان برابر ۹/۹ بوده است، در کشورهای

توسعه یافته برابر (۱۷/۳) و در کشورهای در حال رشد (۶/۹) است، بیشترین رقم را اروپای شمالی (۲۲/۷) و کمترین رقم را افریقای غربی (۵/۱) دارا بوده است (۳) این نسبت در کشور سوئد برابر ۲۵/۲ بوده است (۱۹۷۹).

ب - شاخص نسبت سالمندان به کم سالان:

برای محاسبه شاخص نسبت سالمندان به کمسالان جمعیت از فرمول

$$100 \times \left( \frac{P_{65+}}{P_{0-14}} \right) \text{ یعنی } (100 \times \frac{\text{جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر}}{\text{جمعیت ۱۴ ساله و کمتر}}) \text{ استفاده می کنیم که محاسبه}$$

$$\text{آن برای سال ۱۳۶۵ برابر است با: } 6/6 = 100 \times \frac{1507436}{22670244}$$

یعنی در مقابل هر ۱۰۰ نفر کودک زیر سن فعالیت (۶/۶) نفر سالمند ۶۵ ساله و بالاتر در جامعه وجود دارد.

( لازم به تذکر است که سن فعالیت در کشور ما عملاً کمتر از ۱۵ سال است بخصوص در روستاها و عشایر که برخی از نوجوانان ۱۰ تا ۱۵ ساله به جای رفتن به مدرسه، در مزارع به کار و کسب در آمد برای خانواده شان مشغول می شوند ولی در این بررسی سن ۱۵ سالگی را برای شروع سن فعالیت پذیرفته ایم.)

این نسبت در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب برابر با ۹/۵، ۸/۴ و ۸ بوده است. دلیل کاهش این نسبت در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، رشد بالای موالید و کاهش قابل توجه مرگ و میر کودکان در این دهه بوده است.

ج - شاخص نسبت وابستگی کل:

برای محاسبه این شاخص از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$\left( \frac{P(0-14) + P65^+}{P(15-64)} \right)$$

یعنی:  $\left( \frac{100 \times \text{جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر} + \text{جمعیت ۱۴ ساله و کمتر}}{\text{جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله}} \right)$

محاسبه آن برای سال ۱۳۶۵ برابر است با:

$$\frac{1502436 + 2267024}{25653186} \times 100 = 94$$

یعنی هر یکصد نفر که در جامعه ما در سن فعالیت هستند باید علاوه بر خودشان، تعداد ۹۴ نفر دیگر را که یا کودک هستند (زیر ۱۵ ساله) و یا سالخورده هستند (۶۵ ساله و بالاتر) از نظر اقتصادی اداره کنند.

این شاخص در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب برابر ۸۶، ۱۰۰ و ۹۳ بوده است.

این شاخص در سال ۱۹۸۰ میلادی به طور متوسط در کل جهان برابر ۶۹/۱، در کشورهای توسعه یافته ۵۲/۴ و در کشورهای در حال توسعه برابر ۷۵/۸ بوده است.

این شاخص در قاره افریقا ۹۱/۷، آسیای جنوبی ۸۲ و در اروپا برابر ۵۴/۶ بوده است. بیشترین رقم این شاخص ۹۶/۳ است که مربوط به افریقای غربی است و کمترین رقم آن را کشور ژاپن دارد که برابر است با ۴۷/۷ (۳).

### بررسی جمعیت شناختی سالمندان در شهر تهران:

براساس نتایج آمارگیری تهران در سال ۱۳۵۹ با توجه به خصوصیات شهر تهران که حدود  $\frac{1}{4}$  جمعیت کشور را در خود جای داده است و با در نظر گرفتن اینکه مشکلات اجتماعی و اقتصادی سالمندان در مناطق شهری به مراتب بیش از مناطق روستایی است، لذا در این بخش می‌پردازیم به بررسی وضعیت سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر ساکن شهر تهران.

ابتدا ببینیم که چند درصد آنها در خانواده محل زندگی‌شان نقش رئیس خانوار را دارند و توزیع آن از نظر جنسی و وضع زناشویی چگونه است. نتایج آمارگیری شهر تهران در سال ۱۳۵۹ که توسط مرکز آمار و ایران انجام شده است نشان می‌دهد که در شهر تهران در سال ۱۳۵۹ جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر برابر ۱۷۹۷۸۲ نفر یعنی ۳ درصد کل جمعیت شهر تهران بوده است (کل جمعیت تهران در سال ۵۹ برابر ۵۴۴۳۷۲۱ نفر بوده است).

از کل سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر ساکن تهران حدود ۵۱ درصد خودشان رئیس خانوارشان هستند و ۹ درصد همسر رئیس خانوارند و قریب ۳۰ درصد در منزل فرزندان‌شان زندگی می‌کنند و ۱۰ درصد باقی‌مانده اکثراً در نزد خویشاوندان به سر می‌برند و این نشانه نقش نهاد خانواده در حمایت از سالمندان در جامعه ماست و شاید به همین دلیل باشد که هنوز نیاز به خدمات مؤسساتی مثل سرای سالمندان در جامعه ما عمومیت نیافته است.

تفکیک جمعیت سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر تهران به دو گروه زن و مرد نمایانگر برخی خصوصیات مهم در کیفیت زندگی سالمندان در شهر تهران است که به صورت جدول زیر تنظیم شده است:



جدول جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر شهر تهران بر حسب جنس و بستگی با رئیس تهران  
بر حسب جنس و بستگی با رئیس خانوار ۱۳۵۹ (۷)

جنس	جمع نفر	رئیس خانوار	همسر رئیس خانوار	پدر یا مادر رئیس خانوار	خویشاوند با خدمه و غیره با رئیس خانوار	غیر خویشاوند یا
جمع	۱۷۹۷۸۲	۹۲۴۷۵	۱۵۴۴۷	۵۱۴۰۵	۱۷۷۵۴	۲۷۰۱
مرد	۸۴۲۲۷	۷۰۸۳۹	—	۱۰۱۴۵	۷۹۱	۲۴۵۲
زن	۹۵۵۵۵	۲۱۶۳۶	۱۵۴۴۷	۴۱۲۶۰	۱۴۹۶۳	۲۲۴۹

جدول فوق نشان می‌دهد که در شهر تهران از سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر که در منزل فرزندان زندگی می‌کنند حدود ۸۰ درصد را زنان سالمند و ۲۰ درصد را مردان سالمند تشکیل می‌دهند. از سالمندانی که با خویشاوندان زندگی می‌کنند نیز ۸۴ درصد به زنان سالمند اختصاص دارد و ۱۶ درصد به مردان و در آخرین گروه که سالمندان نقش خدمه دارند یا در منزل غیر خویشاوند زندگی می‌کنند، گرچه تعداد آنها در کل جمعیت سالمندان تهران ناچیز است (۲۷۰۱ نفر) ولی از این تعداد هم ۸۳ درصد را زنان سالمند و ۱۷ درصد را مردان سالمند تشکیل می‌دهند.

اولین نتیجه از تحلیل این جدول می‌تواند چنین بیان شود که اکثر سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر را که در منزل خود یا همسر زندگی نمی‌کنند زنان سالمند تشکیل می‌دهند و نه مردان. حال اگر برای این واقعیت که نشان دهنده وضعیت نامناسب زندگی زنان سالمند است، وضعیت زناشویی (تأهل) سالمندان را اضافه کنیم نتایج روشنتری از وضعیت اجتماعی سالمندان شهر تهران برایمان مشخص می‌شود. براساس همان آمارگیری تهران ۵۹ در

چگونگی وضعیت (تأهل) سالمندان ۶۵ ساله و بالاتر، مشاهده می‌شود که نسبت سالمندان مرد دارای همسر حدود ۸۴/۵ درصد است در حالیکه همین نسبت برای زنان سالمند ۶۵ ساله و بالاتر دارای همسر ۲۲/۱ درصد است.

از سوی دیگر ۷۵ درصد زنان سالمند ۶۵ ساله و بالاتر شهر تهران همسرشان فوت شده و هنوز بدون همسر هستند در حالیکه بین مردان سالمند ۶۵ ساله و بالاتر شهر تهران فقط ۱۳ درصد بعد از فوت همسرشان هنوز بدون همسر باقی مانده‌اند (مردان سالمند ۶۵ ساله و بالاتر بدون همسر در اثر فوت همسر ۱۳ درصد کل مردان سالمند ۶۵ ساله و بالاتر در شهر تهران هستند).

با احتساب زنان ۶۵ ساله و بالاتر که در اثر طلاق یا عدم ازدواج بدون همسر مانده‌اند می‌توان چنین نتیجه گرفت که حدود ۷۸ درصد زنان سالمند ۶۵ ساله و بالاتر تهران بدون همسر هستند و البته با توجه به نقش زوج برای حمایت از زوجه، بخصوص در دوران پیری می‌توان چنین نتیجه گرفت که حدود ۷۸ درصد زنان سالمند شهر تهران از چنین حمایتی برخوردار نیستند.

با ادغام داده‌های مربوط به نسبت سالمندان با رئیس خانوار و جدول وضعیت زناشویی (تأهل) سالمندان می‌توان چنین استنباط کرد که در واقع مسائل و مشکلات زنان سالمند در شهر تهران بیش از مشکلات مردان سالمند است و حقایق این دو جدول ما را با برخی از مشکلات سالمندان تهران و بخصوص مسائل زنان سالمند آشنا می‌سازد و در مقابل، نقش نهاد خانواده در جامعه ما برای حمایت از سالمندان خانواده مطرح می‌شود که مطلبی است بسیار اساسی، ولی با خصوصیات شهر تهران، پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک مشکل سالمندان در این شهر جزو مسائل اساسی جامعه شهری مطرح گردد و ضرورت اخذ سیاست‌های مناسب برای جوابگویی به این نیاز را نیز مطرح می‌نماید، چراکه در چند سال اخیر گسترش سراهای سالمندان (آسایشگاه‌های سالمندان) بخصوص در شهر تهران روبه تزاید گذاشته و غیر از دو سرای بزرگ سالمندان وابسته به دولت که حدود ۵۰۰ سالمند را

۵۰۰ سالمند را در خود جای داده‌اند ۱۲ سرای سالمندان خصوصی (آسایشگاه سالمندان) نیز با ظرفیتهای متفاوت با شهریه‌های قابل توجهی تأسیس شده‌است و برخی نیز به صورت غیر مجاز به این کار پرداخته‌اند.

هرچند که سراهای سالمندان هنوز تعداد اندکی از سالمندان را در خود جای داده‌اند ولی تأسیس چنین سراهایی ممکن است با تحولاتی که در نهاد خانواده در حال انجام است همراه شده و به سرعت نقشهای مفید سالمندان را که در جامعه ما هنوز هم به عنوان خزانة‌های اطلاعات فرهنگی و افراد مورد احترام خانواده‌ها مطرح هستند از بین ببرد و سپردن والدین پیر به سراهای سالمندان را برای فرزندان نسل آینده به صورت یک هنجار اجتماعی درآورد. برای پیشگیری از عوارض چنین تحولاتی تنها یک راه وجود دارد و آن مطالعه و تحقیق در زمینه‌های مختلف مسأله سالمندی و سالمندان است و ارائه راه‌حلهای مناسب با خصوصیات فرهنگی و اجتماعی جامعه ما در جهت حمایت از سالمندان.

فهرست منابع مورد استفاده در مقاله

1- *United Nations; World Assembly on Aging; Vienna. 26 July - 6 August 1982.*  
( *old will outnumber young by 2025* )

۲ - جمعیت شناسی اجتماعی - رولان پرسا - ترجمه دکتر منوچهر محسنی دانشگاه تهران  
۱۳۶۳

3 - *International Perspectives on Aging population and policy challenges U.N.*  
*Fond For population Activities*

- ۴ - سالنامه آماری سال ۱۳۶۳ مرکز آمار ایران انتشارات بهمن ۱۳۶۴
- ۵ - ایران در آئینه آمار ۱۳۶۳ مرکز آمار ایران انتشارات مرداد ۱۳۶۴
- ۶ - سرشماریهای سال ۱۳۵۵، ۱۳۴۵، ۱۳۳۵ مرکز آمار ایران
- ۷ - نتایج آمارگیری تهران ۵۹ مرکز آمار ایران فروردین ۱۳۶۰
- ۸ - شاخصهای اجتماعی ایران - سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۷
- ۹ - سالنامه آماری سال ۱۳۶۵ کشور مرکز آمار ایران انتشار ۱۳۶۶
- ۱۰ - ایران در آئینه آمار ۱۳۶۶ مرکز آمار ایران انتشار آذر ۱۳۶۸